

اربعین و آموزه‌های انسانی

همسوبا اصول
و ارزش‌های
متعالی
و معنوی،

دکتر مجید ابهری
عضو هیات علمی
دانشگاه
شهید بهشتی



مراسم و

مناسبت‌های دینی باید بهره‌های اجتماعی و فرهنگی داشته باشند، چرا که اساس حرکت‌های بزرگان دینی علاوه بر هدایت پیروان در مسیرهای اخروی و معنوی، انتقال معیارهای تربیتی و عالی است.

مثلاً همین حرکت ارزشمند و جاویدان محرم و عاشورا همراه با برگزاری کلاس و مدرسه، باعث رشد و تکامل انسانی و انتقال معیارهای سراسر معنوی است.

ایثار و اخلاص در راه خدا، فداکاری در مسیر اتصال به حق و وصول به ارزش‌های معنوی، کسب معرفت فرهنگی برای رشد و ارتقای انسانی و احترام به فرامین رهبری و ائمه، آموزش اخلاص و تسویه روح از دنیا و وابستگی‌های دنیوی از جمله هدف‌های اصلی قیام جاویدان عاشورا در طول تاریخ حیات انسانی است. «کل یوم عاشورا و کل ارض کربلا» اصلی‌ترین درس این خیزش انسانی است. این جمله یعنی هر جا مظلومی دیده شد، کربلاست و فریادرسی به هر ندای «هل من ناصر...» عاشورا است. فرهنگ عاشورا تداوم عدالت‌خواهی و عدالت‌طلبی و حق‌جویی است.

انتقال این ارثیه مطهر به نسل‌ها و فصل‌های بعد، مستلزم تسلط به حوادث و رویدادهای گذشته و جاری است. در همین رخداد اربعین که چهلمین روز بعد از شهادت مظلومانه حسین (ع) و یاران مظلومش است، رمز و رازی شگفت نهفته است.

اصولاً در برخی اعداد، رمز و رازی نهفته است که اصلی‌ترین آنها همین عدد ۴۰ است و این رمز و رازها برای تحقق این آرمان و عقاید مشابه هستند.

که ای صوفی شراب آنگه شود صاف

که در شیشه برآرد اربعینی

و در ۴۰ سالگی فرد به مرز بلوغ عقلی می‌رسد همچنان که رسول مکرم اسلام حضرت محمد (ص) در ۴۰ سالگی به پیامبری برگزیده شدند. و در عدد ۴۰ راز و رمزی شگفت‌انگیز نهفته است که هنوز هم بر همه ما پوشیده و نهان است و درباره انسان و حیات انسانی برگزاری اربعین یعنی ختم حیات فرد در آخر خط زندگی. همان‌گونه که گفته شد در میان تمام ادیان آسمانی فقط اسلام است که بر مدار و محور جماعت و ارج نهادن به جماعت و اجتماع است و اجتماع اربعین هم یکی از نمادهای شگفت‌انگیزی است که برای زندگی بشر درس‌های عمیق دارد. حضور میلیون‌ها نفر در حرکت حماسی راهپیمایی بزرگ اربعین یکی از با برکت‌ترین حرکت‌هایی است که آثار آن می‌تواند زندگی معنوی انسان را متحول کند.

درونگ

زیارت امام حسین (ع) در ایام مختلف

راجع به اصل زیارت امام حسین (ع) داریم که زیارت آن حضرت در هر روز، روز جمعه، شب جمعه یا در ایام متبرکه مثل اول رجب، نیمه رجب، نیمه شعبان، اول ماه مبارک رمضان، وسط و آخر این ماه، لیالی قدر، عید فطر، عید اضحی، عرفه، شب عاشورا، روز عاشورا و روز اربعین، وارد شده است. زیارت امام حسین (ع) در روز اربعین، یکی از علامات مؤمنین محسوب می‌شود.

«عَلَامَاتُ الْمُؤْمِنِ خَمْسٌ صَلَاةُ الْخَمْسِينَ وَ زِيَارَةُ الْأَرْبَعِينَ وَ التَّخْتُمُ فِي الْيَمِينِ وَ تَغْفِيرُ الْجَبِينِ وَ الْجَهْرُ بِبِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ»

«پنج چیز از علامات مؤمن است: پنجاه رکعت نماز خواندن در هر روز، زیارت اربعین امام حسین (ع)، انگشت‌را در دست راست کردن، بر خاک سجده کردن و بسم... را بلند گفتن».

وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۴۷۸



گفت‌وگو

گزارش

دیباجه

اینفو

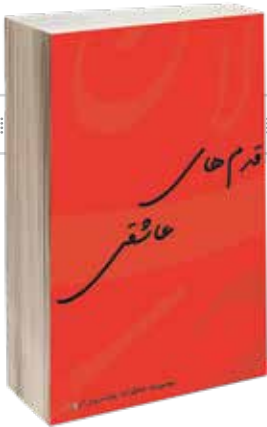
قدم به قدم همراهی با زائران حماسه پیاده‌روی اربعین در یک کتاب

خاطرات مکتوب پیاده‌روی اربعین

امیر علوی

خبرنگار چار دیواری

اگر فقط یک بار راهی سفر زیارت اربعین بشوی دیگر برای تمام عمر دلت می‌خواهد این تجربه ناب را تکرار کنی و همه ساله در چنین ایامی، دلت بی‌قرار یار است. کتاب قدم‌های عاشقی: خاطرات مکتوب پیاده‌روی اربعین بر اساس فراخوان، خاطرات مکتوب پیاده‌روی افرادی است که پای پیاده به زیارت حضرت امام حسین (ع) می‌شتابند. در این فراخوان، تمرکز بر خاطرات این سفر بوده و علاوه بر جمع‌آوری این خاطرات، برای استفاده افرادی که توفیق حضور در این سفر را ندارند، استعدادیابی برای حمایت و مساعدت زائرانی که اهل قلم هستند و همچنین تولید و چاپ و نشر کتاب به عنوان یک محصول فرهنگی ارزشمند نیز جزو اهداف این فراخوان بوده است.



خلاصه کتاب

در بخشی از کتاب قدم‌های عاشقی می‌خوانیم:

در ابتدای خیابان قبله‌العباس، موکب‌هایی قرار دارد که بیشتر این موکب‌ها از سوی برخی از افراد منتسب به یک جریان خاص اداره می‌شوند. یک شب هنگام بازگشت از حرم، مقابل یکی از آنها گروهی را دیدم که مشغول گفت‌وگو بودند. نزدیک شدم و به سخنان‌شان گوش دادم. چند نفرشان سعی داشتند از مسأله قمه‌زنی دفاع کنند و چند نفرشان نیز مخالف این عمل بودند. موافقان در خصوص مسأله وحدت شیعه و سنی هم نظرات خاصی داشتند. مخالفان به استناد سیره

اهل بیت، به‌ویژه رفتار امیرالمؤمنین در بیست و پنج سال خانه‌نشینی و همچنین پنج سال حکومت ایشان و نیز به حکم عقل در شرایط امروز جهان اسلام، بر ضرورت حفظ وحدت و پرهیز از رفتارهای تفرقه‌انگیز تأکید می‌کردند و موافقان نیز به استناد روایاتی از برخی کتب، سعی داشتند ثابت کنند لعن علنی در سیره اهل بیت مسبوق به سابقه است و اکنون نیز از مصادیق تبری و شعائر دینی محسوب می‌شود. ناخواسته وارد بحث‌شان شدم و من نیز به یکی از طرف‌های گفت‌وگو پیوستم. از طرف مقابل پرسیدم: مگر شما در جزوه‌ها و کتابچه‌های‌تان با انتقاد از حکومت اسلامی ایران مدعی نیستید که برخورد حاکمیت با مخالفان چهره‌ای خشن از دین به نمایش گذاشته و بسیاری از جوانان را از دین زده کرده است؟ پس چطور است که همین نگاه را در خصوص رفتارهایی چون قمه‌زنی ندارید و به تأییری که این کار بر افکار مردم جهان می‌گذارد، نمی‌اندیشید؟ پاسخ داد: «اولاً قمه‌زنی کار زشتی نیست و رسانه‌های غربی نیز از آن تمجید می‌کنند! و در ثانی جزء واجبات است، با تمسخر دیگران نباید آن را ترک کرد. این سرزمین جایی است که باید در آن خون ریخت. همه پیامبران در این سرزمین خون ریخته‌اند. ابراهیم در اینجا خون ریخته است و اسماعیل نیز، زکریا در اینجا خون ریخته است و یحیی نیز...». گفتم مرجحاً به این حرف. ولی باور کن قمه زدن خون ریختن نیست. خون را کسانی ریختند که هشت سال در برابر رژیم وحشی بعث و حامیان جهانی‌اش ایستادند. خون را کسانی که هشت سال جنگ نفر به نفر کردند، ریختند. خون را رزمندگان افغان و گمنامی که در سوریه برای دفاع از حرم بی‌بی می‌جنگند می‌ریزند. خون را حسین همدانی‌ها می‌ریزند. خون را سید حمید تقوی‌فرها می‌ریزند. خون را سربازان جان برف قدس و بدر و حزب... و حشد الشعبی می‌ریزند. قمه زدن خون ریختن نیست. خون را کسانی می‌ریزند که از بیست و هفت میلیون زائر ابا عیبا... در برابر سگ‌های وحشی داعش و حامیان آمریکایی و صهیونیستی آنها طوری حفاظت می‌کنند که در کشور جنگ‌زده‌ای چون عراق، خون از دماغ یک نفرشان نمی‌آید تا این جمعیت عظیم به سلامت به خانه‌های‌شان بازگردند. خون را کسانی می‌ریزند که از حریم این خاک مقدس طوری دفاع می‌کنند که کسی چون تو بتواند با خیال راحت در دل شب به خیابان بیاید و با باد نخوتی در دماغ، این چنین به رجزخوانی بنشیند. قمه زدن خون ریختن نیست. خون را کسان دیگر می‌ریزند. وقتی کمی آرام شدم احساس کردم پاسخی برای گفتن ندارم.



استفاده از وسیله نامقدس برای هدف مقدس

در برابر تحریفات واقعه عاشورا مردم مسئولند؛ دو مسئولیت بزرگ، مردم دارند. یک مسئولیت این است که نهی از منکر بر همه واجب است. وقتی که می‌فهمید و می‌دانید - مردم اغلب هم می‌دانند - که دروغ است، نباید در آن مجلس بنشینید که حرام است بلکه باید مبارزه کنید و دیگر این تمایلی است که صاحب مجلس‌ها و مستمعین به گیراندن مجلس دارند، مجلس باید بگیرد، باید کربلا بشود. روضه خوان بیچاره می‌بیند که اگر بنا بشود هر چه می‌گوید از آن راست‌ها باشد مجلسش نمی‌گیرد، بعد همین مردم هم دعوتش نمی‌کنند، ناچار یک چیزی هم اضافه می‌کند.

این انتظار را مردم باید از سر خودشان بیرون کنند، [نگویند] فلان روضه‌خوانی که مجلس او می‌گیرد، فلان روضه‌خوانی که کربلا می‌کند.

کربلا می‌کند یعنی چه؟! شما باید روضه راست را بشنوید و معارف و سطح فکرتان بالا بیاید، به طوری که اگر در یک کلمه روح‌تان اهتزاز پیدا کرد، یعنی با روح حسین بن علی هماهنگی کرد و اشکی ولو ذره‌ای، ولو به قدر بال مگس [جاری شد]، اگر چنین اشکی در حالت هماهنگی روح شما با حسین بن علی از چشم شما بیرون بیاید، واقعا مقام بزرگی برای شماست.

اما اشکی که از راه قصابی کردن بخواهد از چشم شما بیاید، اگر یک دریا هم باشد ارزش ندارد.

«داد بکشید» یعنی چه؟! چرا داد بکشید؟!.

عده‌ای آمدند گفتند گریه بر امام حسین ثوابش آن قدر زیاد است که از هر وسیله‌ای برای این کار می‌شود استفاده کرد. یک حرفی را امروزی‌ها در آورده‌اند. در مکتب ماکیاوول و امثال او که - می‌گویند هدف وسیله را مباح می‌کند؛ هدف خوب باشد وسیله‌ات هر چه شد، شد. اینها هم گفتند: ما اینجا یک هدف مقدس و منزه داریم و آن گریستن بر امام حسین علیه السلام است.

حالا این گریستن روی چه فلسفه‌ای است، کاری به آن ندارند؛ باید گریست، بسیار خوب، باید گریست. به چه وسیله بگریانیم؟ به هر وسیله که شد. هدف که مقدس است، وسیله هر چه شد، شد. اگر یک تعزیه‌های اهانت‌آور هم بسازیم درست است یا درست نیست؟ گفتند: اشکی جاری می‌شود یا جاری نمی‌شود؟ همین قدر که اشک جاری می‌شود، هر کاری کردید، کردید. شیپور بزنیم، طبل بزنیم، معصیت کاری کنیم، به بدن مرد لباس زن بپوشانیم، عروسی قاسم درست کنیم، جعل و تحریف کنیم. گفتند: در دستگاه امام حسین این حرف‌ها مانعی ندارد. دستگاه امام حسین علیه السلام از دستگاه دیگران جداست. اگر اینجا دروغ گفتی، بخشیده است؛ جعل کردی، بخشیده است؛ تحریف کردی، بخشیده است؛ شبیه‌سازی کردی، بخشیده است؛ به تن مرد لباس زن کردی، بخشیده است؛ هر گناهی که اینجا کردی، بخشیده است. هدف خیلی مقدس است. در نتیجه یک افرادی در این قضیه دست به جعل و تحریف زده‌اند که انسان تعجب می‌کند.

این موضوع که دستگاه حسینی یک دستگاه جدایی است و از هر وسیله‌ای برای گریاندن می‌شود استفاده کرد، این خیال، این توهم دروغ و غلط، یک عامل بزرگی شد برای جعل و تحریف.

برگرفته از کتاب حماسه حسینی

استاد شهید مرتضی مطهری